

بررسی جایگاه مشارکت اجتماعی شهروندان در ساختار مدیریت شهری

پونه السادات حاج سید حسینی^۱ دانشجوی دکتری معماری، دانشکده هنر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان، ایران.

Po_hoseini@yahoo.com

چکیده:

آن چه امروزه توسعه و بهره‌وری خدمات شهری را تضمین می‌کند، مشارکت کلی همه‌ی شهروندان در فعالیت‌های شهری است که میتواند مشروعیت، مقبولیت و رضایت‌مندی شهروندان را برای مدیریت شهری توأمان به ارمغان آورد. در این میان توجه به مشارکت مردم در اداره امور شهرها چندی است که در ایران به صورت علمی و عملی مطرح گردیده و اقدامات خوبی نیز در این راستا انجام گرفته اما به نظر میرسد این فعالیت‌ها آنچنان که باید نتوانسته مشارکت‌های مردمی را به صورت واقعی در اداره امور شهری جذب نماید. با توجه به ماهیت این موضوع، در انجام پژوهش حاضر از روش مطالعه کتابخانه‌ای - اسنادی و تجزیه و تحلیل ثانویه بهره گرفته شده است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که شهرداری‌ها در کشورهای پیشرفته، پتانسیل مدیریت مشارکتی، را به بهترین نحو برای ایفای بهتر وظایف خود به کار گرفته‌اند و بدین ترتیب خود را از یک سازمان صرفاً خدماتی، به یک نهاد اجتماعی تبدیل نموده‌اند؛ اما شهرداری در جامعه ما بیشتر به عنوان یک سازمان خدماتی مطرح است و اگر شهرداری بخواهد خود را به عنوان یک نهاد اجتماعی فعال مطرح نماید، به دو پیش‌نیاز احتیاج دارد؛ نخست اینکه نهاد اجتماعی شهرداری در عین وابستگی متقابل با ۵ نهاد اصلی جامعه، تا حدودی نیز باید دارای استقلال کارکردی باشد. دومین پیش‌نیاز اینکه مشارکت اجتماعی شهروندان در شهرداری است و بدین طریق است که این نهاد می‌تواند در همه شهروندان نهادینه شود. در نهایت پیشنهادهایی ارائه می‌گردد که بدین طریق شهرداری‌های کشور بتوانند با نهادینه کردن مشارکت اجتماعی در بین شهروندان، باعث شکل‌گیری ایده شهرداری به عنوان نهاد اجتماعی گردند.

کلمات کلیدی: شهرداری، مشارکت اجتماعی، شهروندان، مدیریت شهری.

^۱ - نویسنده مسئول

۱- مقدمه

رشد شتابان شهرنشینی و شهرگرایی به ویژه در کشورهای در حال توسعه، اداره شهرها را با مشکلات جدی روبرو ساخته است. مسائل اجتماعی، اقتصادی و کالبدی و فرهنگی در شهرها، بر پیچیدگی موضوع افزوده است به همین سبب و با توجه به شرایط فوق در شهرهای جهان سومی و به طور خاص در کلان شهرها مشکلات عمده ای چون مهاجرت روستائیان به شهر، ترافیک، آلودگی هوا، مسکن، آب و فاضلاب، کمبود سرانه‌ها و بسیاری از فاکتورهای دیگر، بر معضلات اداره شهرها افزوده است. شیوه‌های مناسب مدیریت شهری می‌تواند ضمن اداره شهرها به تدریج از حجم مشکلات کم نموده و شرایط بهتری را برای یک زندگی شهری فراهم نمایند. یکی از مباحث مهم در شهر، دستیابی همه ساکنین به خدمات و تسهیلات عمومی شهری در سطح شهر می‌باشد. افزایش جمعیت در شهرهای بزرگ از یک طرف، و نارسایی مدیریت شهری در پاسخگویی به نیاز شهروندان از سوی دیگر، کاهش عدالت شهری را در پی داشته است (احمدی و همکاران، ۱۳۸۹).

برنامه ریزان شهری نیز نسبت به این تغییرات بی تفاوت نبوده اند و عرصه های مختلفی از مدیریت شهری را به وجود آوردند. تعریف مدیریت شهری به گفته لوئیس مفورد امروز نظارت بر جان مردم شهرها به عنوان جوهره تعریف شهر است (اخوندی و همکاران، ۱۳۸۷).

مدیریت شهری علاوه بر آنکه باید حافظ منافع شهرها باشد، باید برنامه هایی را تدارک ببیند و تحقق بخشد که نتیجه آن به ارتقای سطح فرهنگ عمومی، حفظ ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی مثبت، اعتدال در زیست سالم مردم، رفاه عمومی و اجتماعی، سلامت جامعه، زمینه سازی و مشارکت در حل مشکلات مسکن، بیکاری، جرم و جنایت، اعتیاد، تفریح، تحصیل، رفت و آمد و مانند آنها منجر شود (احمدی و همکاران، ۱۳۸۹). بنابراین، برنامه مدیریت شهری، وظایف حکومت های محلی شهری را منحصر به امور کالبدی نمی‌داند و وظیفه مدیران شهری را اداره توأم امور کالبدی و اجتماعی شهرها می‌داند و معتقد است که مدیران باید چالش‌های مهم شهرهای امروز را بشناسند و برای غلبه بر آنها سیاست ها و اقدامات مناسبی را دنبال کنند به همین دلیل، تصمیم گیری برای انتخاب طرح مناسب در شهرها، به یکی از چالش‌های اساسی مدیریت شهری تبدیل شده است (احمدی و همکاران، ۱۳۸۹).

بر خلاف اهمیت مطالب بیان شده، طرح موضوع خودکفایی و خوداتکالی شهرداریها در سال ۱۳۶۲ و ادامه این سیاست در سالهای بعد، شهرداریهای کشور را در شرایط حادی قرار داد و شمارش معکوس برای کاهش سهم آنها از بودجه دولت آغاز شد. کاهش وابستگی درآمدی شهرداری ها به دولت و تشدید مسائل و مشکلات شهرها (در نتیجه رشد جمعیت و مهاجرت ها، حجم زیاد تقاضا برای خدمات شهری و اتکالی شهرداری‌ها به درآمدهای ناپایدار) شرایط کار را برای متولیان امور در شهرداری‌ها دشوار کرده است اما از آن جایی که پتانسیل همکاری گسترده و جلب مشارکت بخش خصوصی و مردمی، مشارکت جویی و جلب همکاری سازمان‌های غیر دولتی و مردم نهاد، می‌تواند برای ایفای بهتر وظایف شهرداری ها مفید واقع شود (که بهره گیری از این ظرفیت از جمله ویژگی های عملکرد مدیریت شهری در شهرهای پیشرفته جهان است) مشارکت اجتماعی شهروندان در هرداری ها می‌تواند راهگشای اساسی برای حل معضلات شهری باشد (ادیبی سده و همکاران، ۱۳۸۶).

۲- روش تحقیق

در انجام پژوهش حاضر از روش مطالعه کتابخانه‌ای - اسنادی و تجزیه و تحلیل ثانویه بهره گرفته شده است.

۳- پیشینه ی تحقیق

صفایی پور و زارعی (۱۳۹۷)، در پژوهش خود برنامه ریزی محله محور و بازآفرینی پایدار بافت های فرسوده شهری با تاکید بر سرمایه اجتماعی در محله جولان شهر همدان را مورد ارزیابی قرار داده اند. در پژوهش حاضر پس از بررسی محدوده مورد مطالعه با بهره گیری از مدل ها و آزمون های آماری و مدل SWOT، نتیجه گرفته می شود که اگر رویکرد به بازآفرینی؛ اجتماع مدار، یکپارچه، جامع و استراتژیک باشد، آنگاه به خودی خود رویکرد بازآفرینی پایدار حاصل خواهد شد.

حسینی (۱۳۸۷)، در مقاله‌ی خود تحت عنوان مشارکت پایدار مردمی در نوسازی و بازسازی بافت های فرسوده شهری، اهداف مداخله نوسازی در بافت فرسوده را نو کردن و رونق بخشیدن به کالبد بافت و عناصر درونی آن، توان بخشی با هدف تقویت و گسترش جنبه های مثبت و از بین بردن جنبه های منفی حیات، تجدید حیات با هدف باز زنده سازی بافت و عناصر آن و باز گرداندن زندگی مجدد و تداوم زندگی، انطباق با هدف ایجاد تغییرات نسبی همناخت کردن بافت و عناصر درونی آن با نیازهای جدید و شرایط نوین و تبدیل و دگرگونی با هدف ایجاد تغییرات بدون از بین بردن ریشه و پیشینه می‌داند.

هادیان (۱۳۸۹)، در مقاله نوسازی، بافت فرسوده شهری و مشارکت شهروندان، ۱۸ روش اجرایی برای مشارکت شهروندان در نوسازی بافت فرسوده شهری پیشنهاد می‌دهد.

رهنما (۱۳۸۷)، در مقاله خود تحت عنوان بررسی اثرات اجرای طرح بهسازی و نوسازی مرکز مشهد، یکی از مهمترین موانع بر سر راه اجرای طرح های بهسازی را مشارکت ناپذیری آنها و همکاری ناچیز مالکان این بافت ها می‌داند و طبق نتایج مستخرج، خرید املاک مالکان به زور و به کارگیری روش های متنوع توافق و منتفع شدن مالکان در منافع آینده را از جمله راه کارهای نیل به موفقیت در این برنامه ها می‌داند.

صادقی (۱۳۸۴)، مطالعه‌ای با عنوان توانمند سازی حاشیه نشینان در فرآیند بهسازی و نو سازی بافت فرسوده شهری انجام داده که نشان می‌دهد می‌توان با ساماندهی نیروهای مشارکت مردمی و بخش خصوصی در امر بهسازی و نوسازی کمک کرد.

۴- اصطلاحات مفاهیم

۴-۱- تعریف و مفهوم مشارکت:

مشارکت در مفهوم لغوی آن: کلمه مشارکت به معنای قسمت، جزء و بخش گرفته شده است. این کلمه از ریشه لاتین پارکیپاتو به معنای با خود داشتن در نفس خویش چیزی از غیر داشتن و سهمی در چیزی غیر از خود داشتن است. یعنی سهم شدن در چیزی و یا گرفتن قسمتی از آن است در تعریفی نسبتاً جامع از مشارکت آمده: مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت های گروهی است که آنان را برمی‌انگیزد تا برای دستیابی به هدف های گروهی یکدیگر را

یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند، تعریف شده است (آذربایجانی، و همکاران، ۱۳۸۷).

تعریف سه جزء مهم درگیر شدن، یاری دادن و مسئولیت پذیری وجود دارد که درک عمیق آن، مستلزم پرداختن اجمالی به این سه جزء است:

-درگیری ذهنی و عاطفی: مشارکت تنها به تلاهای بدنی محدود نیست بلکه در آن، خود شخص نیز به لحاظ روانشناختی درگیر است.

-انگیزش برای یاری دادن: در مشارکت، شخص فرصت م ییابد که از قابلیت ها، ابتکارات و آفرینندگی خود برای دس تیابی به هد فهایی گروهی استفاده نماید.

-پذیرش مسئولیت: مشارکت شخص را برم یانگیزد تا در کوش شهای گروه خود، مسئولی تپذیر باشد. مشارکت هنگامی تحقق م ییابد که بی تفاوتی و

بی مسئولیتی جای خود را به احساس وابستگی و مسئولیت بدهد (ازکیا، ۱۳۸۰).

۴-۲ مهمترین نظریات مشارکت

نظریه های متعددی در زمینه مشارکت و مدیریت شهری مشارکتی از نیمه دوم دهه ۱۹۶۰ به این سو مطرح گردیده است. ملاک انتخاب این نظریه ها، میزان

نوآوری و خلاقیت و استحکام نظری و تأثیرگذاری بر نظریه های بعدی می باشد که در اینجا به آنها اشاره میگردد (ازکیا، ۱۳۸۰).

۴-۲-۱ نظریه مشارکتی جان ترنر

تحقیقات جان ترنر و دیگران نشان میدهد، هنگامی که دولت مرکزی در امور اجتماعات محلی دخالت میکند هم نیازهای واقعی این جوامع برای دولت مرکزی

نهفته است و هم با کنار گذاشتن مردم محلی توان و امکانات آن نیز از دست میرود. وی با طبقه بندی اصولی انواع مشارکت در جدول معروف خود، کمک شایانی

به شکل گیری نظریه مشارکت کرده است. (آذربایجانی، و همکاران، ۱۳۸۷).

جدول ۱- طبقه بندی اصولی انواع مشارکت از دیدگاه ترنر (آذربایجانی، و همکاران، ۱۳۸۷)

چه کسی فراهم میکند. چه کسی تصمیم میگیرد.	دولت (به عنوان سرپرست)	مردم (به عنوان کاربر)
دولت (به عنوان سرپرست)	دولت فراهم میکند و نیز تصمیم میگیرد.	مردم فراهم میکنند و دولت تصمیم میگیرد.
مردم (به عنوان کاربر)	دولت فراهم میکند و مردم تصمیم میگیرند.	مردم فراهم میکنند و نیز تصمیم میگیرند.

۴-۲-۲ نظریه مشارکتی جیمز میجلی

میجلی بر اساس پاسخ دولتها به مشارکت، آن را به چهار نوع تقسیم میکند.

الف) شیوه ضد مشارکتی

طرفداران این عقیده معتقد به سرکوب مشارکت تودهها هستند. حکومتها اجازه مداخله و مشارکت همگانی در تدوین سیاستها و امور را که ممکن است با اهداف

کلان اجتماعی و اقتصادی آن ها تعارض پیدا کند، نمیدهد (ازکیا، ۱۳۸۰).

ب) شیوه مشارکت هدایت کننده

در این شیوه دولت از مشارکت اجتماعات محلی با انگیزه های پنهانی، حمایت میکند. در مجموع دولتها با بهره گیری از شیوه های مشارکت هدایت شده اهداف

زیر را دنبال میکنند:

۱- استفاده ابزاری از مشارکت، برای اجرای طرحها

۲- کنترل جنبشها و اجتماعات محلی

۳- استفاده از جاذبه های مشارکت برای کسب مشروعیت سیاسی _ اجتماعی آذربایجانی، و همکاران، ۱۳۸۷).

ج) شیوه مشارکت فزاینده

در این شیوه دولت در برخورد با مشارکت به شکلی دوگانه عمل میکند. به این ترتیب که در موضع گیریهای رسمی از آن حمایت میکند، اما عملاً در مسیر

تحقق پیشنهادهای مشارکتی اقدام موثری انجام نمیشود.

د) شیوه مشارکت واقعی

در این شیوه دولت، به طور کامل از مشارکت اجتماعی حمایت میکند و از طریق ایجاد ساز و کارها و ساختارهایی برای ورود موثر اجتماعات محلی در تمامی

زمینه ها، تلاش میکند (امانی، ۱۳۸۹).

جدول ۲- مهم ترین نظریات مشارکت

۱	نظریه مشارکتی جان ترنر	مشارکت مردم و دولت
۲	نظریه مشارکتی جیمز میجلی	الف) شیوه ضد مشارکتی ب) شیوه مشارکت هدایت کننده ج) شیوه مشارکت فزاینده د) شیوه مشارکت واقعی

(امانی، ۱۳۸۹)

۵- شهروند و شهر

۵-۱ مفهوم و تعریف شهر:

کلمه شهر، پلیس یا مدینه در بسیاری از کشورهای جهان از کلمه یونانی و رومی اخذ گردیده که معانی آن کلمه "تمدن" یا "مقررات" بوده است. به این ترتیب شهر به جایی اطلاق می شده است که در آنجا تمدن و مقررات بر توحش و خشونت غلبه داشته باشد از نظر مفهومی نیز شهر فضای کالبدی حیات اجتماعی جوامع است، جایی که در آن روابط انسانی و اجتماعی شکل گرفته، بارور و شکوفا می شود از نظر قانونی طبق ماده ۴ قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری ایران، شهر، محلی (مکانی) است با حدود قانونی که در محدوده جغرافیایی مشخص واقع شده و از نظر بافت ساختمانی، اشتغال و سایر عوامل دارای سیمایی با ویژگی های خاص خود است، به طوری که اکثریت ساکنان دایمی آن در مشاغل کسب، تجارت، صنعت، خدمات و فعالیتهای اداری اشتغال داشته و در زمینه خدمات شهری از خودکفایی نسبی برخوردارند. شهر کانون مبادلات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی حوزه نفوذ پیرامون خود بوده و حداقل دارای ده هزار نفر جمعیت است آذربایجان، و همکاران، ۱۳۸۷).

۵-۲ مفهوم شهروند

شهروندی سطح برقراری ارتباط با نهادهای جامعه و توانایی تحلیل مسایل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی همراه با مراقبت از محیط زندگی خود می باشد مانند: دانستن اسامی مدیران شهری، پذیرش مسئولیتهای اجتماعی و ... شهروندی یکی از نقشهای اجتماعی اصلی افراد در جامعه مدرن است (حسن نژاد، ۱۳۸۹). مفهوم شهروندی از سه بعد اصلی تشکیل شده است. اولین بعد این مفهوم بعد قانونی آن است که از طریق حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی تعریف می شود. در اینجا، شهروند فردی قانونی است که می تواند آزادانه و بر طبق قوانین رفتار کند و این حق را دارد تا مدعی حفظ حقوق خود باشد. اما این بدان معنی نیست که شهروند بتواند در قاعده و دستور سازی قوانین نیز مشارکت کند یا قوانین برای همه شهروندان یکنواخت باشد. دومین مفهوم شهروندی این است که شهروندان به عنوان نمایندگان سیاسی به صورت فعال در نهادهای سیاسی اجتماعی شرکت کنند. سومین بعد از مفهوم شهروندی، شهروندی را عضوی از دیدگاه جامعه سیاسی می بیند.

۵-۳ جایگاه مشارکت شهروندی در قوانین

در مقوله مدیریت شهری در ایران با سابقه ای نزدیک به ۱۰۰ سال و امر برنامه ریزی و توسعه شهری با سابقه ای ۶۰ ساله در جهت ساماندهی امور شهری در ابعاد مختلف حیات شهری به منظور انجام فعالیتهای آنها با توجه به ساختار سیاسی تمرکزگرا تحولات چشمگیری اتفاق افتاده است. عدم مشارکت مردم و نهادهای مردمی در امر برنامه ریزی، توسعه و مدیریت شهری همواره به عنوان چالش جدی و یکی از عوامل عدم تحقق طرحها به شمار آمده است. بررسی سوابق بیانگر این است که کلان شهرهای ایران در گذشته هیچ گاه به صورت یکپارچه مدیریت نشده است و همواره طیف وسیعی از سازمانها متناسب با شرح وظایف خود در اداره امور شهر دخالت داشته اند. از جنبه دیگر هیچگاه اداره امور شهر توسط مردم به طور جدی مدنظر قرار نگرفته است. به موجب قانون مصوب ۱۳۲۵ ه.ش برای اداره امور شهر دو موسسه انجمن بلدی و اداره بلدیه تشکیل میگردد. اعضای انجمن بلدی را ساکنان شهر انتخاب نموده و به کلیه امور مربوط به اصلاحات، توسعه، بهداشت، پاکیزگی و زیبایی شهر رسیدگی و تصمیم گیری می کرد و اداره بلدیه تحت نظر انجمن فوق موظف به اداره امور شهر بود. قانون فوق قبل از اجرا فسخ گردید (پناهی و کاویانی، ۱۳۹۰: ۷). در آذرماه ۱۳۶۱ با تصویب قانون تشکیلات شورای اسلامی شهر و روستا، قوانین معایر آن لغو گردید و با تشکیل شوراهای اسلامی گام بلندی در جهت مشارکت شهروندان در تصمیم گیری ها و انتخاب مدیران اداره امور شهر برداشته شد. با وجود پیش بینی هایی که در قانون برای مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها دیده شده است به نظر می رسد در سیستم اداری و مدیریتی شهرداری ها و روند اجرای امور موانع و مشکلات متعددی برای شکل گیری مشارکت معنی دار و فراگیر شهروندان وجود دارد. با این وجود در سال های اخیر توجه شهرداری ها به مشارکت شهروندان بیشتر شده است (همان ۲۷)

۵-۴ تجارب مشارکت های شهروندی

تجربه های مشارکتی شهری در سه بعد قابل بررسی هستند: مشارکت شهروندان با شهرداری ها، مشارکت بین شهرداری ها و شراکت بخشی (خصوصی، عمومی، دولتی) با شهرداری ها. این ها نیز در پنج سطح متمرکز شده اند: جهانی، منطقه ای، ملی، محلی و شهری (حسن نژاد، ۱۳۸۹). در این قسمت با تمرکز بر مشارکت شهروندی و تا اندازه ای شراکت و مشارکت بین شهرداری ها مروری بر این تجارب نمونه در پنج سطح صورت گرفت. واریسی تجارب گزارش شده نشان می دهند که:

- تأکید شهرداری های جهانی بر استفاده مطلوب از الگوی راهبردی نهادهای جهانی کارگزار در برنامه ریزی - توسعه - مدیریت شهری است. هر چند تلاشهایی نیز برای بومی سازی این الگوها صورت گرفته است (امانی، ۱۳۸۹).

- پیشرفته ترین صورت مشارکت شهروندی در پنج سال اخیر عمدتاً طراحی مشارکت شهروندی مجازی اینترنتی (از طریق اجرای پروژه های مجازی، راه اندازی سایتها، خبرنامه های آن لاین، وبلاگ ها و مانند آن) بوده است.

- مهم ترین فراوانی در الگوهای تجربه شده که نمونه های آن ذکر شده، تمرکز بر جلب مشارکت شهروندی گروههای اجتماعی خاص شهری به ویژه زنان و جوانان شهری است.

- در میانگروه های اجتماعی خاص، تمرکز بیشتر بر جلب مشارکت شهروندی دانش آموزان و دانشجویان به عنوان کارگزار و همکار شهرداری ها برای جلب مشارکت سایر شهروندان بوده است.

- تمرکز محوری مشارکت شهروندی، بسته به وضعیت شهرهای جهانی مورد بررسی و نیز اولویت های شهرداری های جهانی، عمدتاً حوزه محیط زیست شهری، بودجه شهرداری، مناسب سازی محیط شهری برای ناتوانان شهری و مسکن سازی بوده است. در عین حال در شهرداری های آسیایی، آفریقایی و تا اندازه ای آمریکای لاتین با توجه به ویژگی های جامعه شناسی شهری آن ها عمدتاً توجه به جلب مشارکت شهروندان در مدیریت زیرساختهای شهری، کاهش فقر شهری و عرضه خدمات شهری در اولویت بوده است

۵-۵ مدل های مدیریت شهری در ایران و دیگر کشورها (اروپا و آمریکا)

مسلم است که شناخت نوع مدل مدیریت شهری با توجه به تفاوت معایب و مزایای آنها در راستای مداخله و مشارکت شهروندان در طرح مشارکت اجتماعی از اهمیت و کاربرد بسزایی برخوردار است، زیرا اگر مدل مدیریت شهری از قبل تنویر و ابعاد و لوازم آن تشریح شود، بی شک می تواند به عنوان اصلی هادی و راهبر به پیشبرد هر چه بهتر برنامه های طرحهای مشارکتی کمک شایانی نماید (حسن نژاد، ۱۳۸۹). مباحث عمده درباره مطلوبترین راههای اداره شهرها، طیف وسیعی از موضوعات مختلفی چون: مدل حکومت، قدرت شهردار، نحوه انتخاب شهردار، انتخاب شورا و شهردار، تعادل رابطه شورا و شهردار، مسؤلیت پذیری مدیر شهر و بی طرفی سیاسی را شامل می شود. در این میان ساختار مدیریت شهری یکی از ابعاد بسیار مهم حکمرانی شهری محسوب می شود (امانی، ۱۳۸۹).

در این مبحث اجمالاً مدل‌های موجود در آمریکا و اروپا و سپس مدل مدیریت شهری در ایران امروز مورد بررسی قرار می گیرد (حکمت نیا و موسوی، ۱۳۸۶).

۶-۵ مدل های مدیریت شهری در کشورهای اروپایی

چهار مدل مدیریت محلی در اروپا عبارتند از: (۱) مدل شهردار قوی (۲) مدل رهبری جمعی (۳) مدل رهبری توسط کمیسیون (۴) مدل شورا - مدیر در مدل شهردار قوی، تأکید اصلی بر رهبری سیاسی است که در قالب شهر تبلور می یابد. این مدل بیشتر در کشورهای جنوبی یا شرقی اروپا مانند اسپانیا، فرانسه، یونان، پرتغال، قبرس و مجارستان قابل مشاهده است. در این مدل، شهردار در اصل بازیگری سیاسی است که دارای وظایف اجرایی نیز هست. شهردار مسؤول اجرای تصمیمات شورا از طریق مدیریت و نظارت بر سازمان شهرداری و پرسنل آن است (آذربایجانی، و همکاران، ۱۳۸۷). در اینگونه مدل ها معمولاً مسأله مشارکت مردم در مدیریت شهری با چالش‌هایی روبرو است که بیشتر جنبه امنیتی و سیاسی دارند. در مدل رهبری جمعی که در کشورهای بلژیک، هلند، لوکزامبورگ و جمهوری چک دیده می شود، مرجع تصمیم گیری یک بدنه تخصصی یا به اصطلاح کمیته اجرایی است. این کمیته از اعضای شورای شهر با وظایف حکومتی تشکیل می شود و توسط شهردار سرپرستی می شود. در این مدل تأکید بر طبیعت جمعی رهبری است و نه تخصص گرایی فردی یا رهبری سیاسی (حسن نژاد، ۱۳۸۹).

در مدل رهبری توسط کمیسیون، در نظام مدیریت شهری یک بدنه اجرایی تخصصی وجود دارد که وظایف و نقش مدیریت استراتژیک و هماهنگی را ایفا می کند. در این مدل امور اجرایی توسط کمیته های دائمی که توسط شورای شهر ایجاد می شوند، عملیاتی می شوند. این کمیته ها تصمیمات شورا را آماده می کنند، بر اجرای آنها نظارت می کنند و مدیریت امور مرتبط با قلمرو اختیارات خود را در چارچوب بودجه مصوب پیگیری می کنند. کاربرد این مدل در کشورهای سوئد، دانمارک و لتونی دیده شده است. در مدل شورا - مدیر شهر، که در میان کشورهای اتحادیه اروپایی در دو کشور فنلاند و ایرلند مورد استفاده قرار می گیرد، همه وظایف اجرایی در اختیار یک مدیر متخصص (مدیر شهر) است (ازکیا، ۱۳۸۰). که توسط شورای شهر انتخاب می شود. شورای شهر دارای اختیارات کلی در ارتباط با سیاست‌های عمومی است؛ با این وجود نمی تواند در وظایف اداری و اجرایی که در دست مدیر شهر به عنوان رهبر اجرایی حقیقی است، دخالت نماید. شهردار انحصاراً ریاست شورای شهر را بر عهده می گیرد و به طور کلی به صورت نیمه وقت در این شغل به فعالیت می پردازد. وی عمدتاً نقش نمایندگی و تشریفاتی (نمادین) دارد، حتی اگر رهبری اکثریت سیاسی این بدنه (شورا) را بر عهده داشته باشد (آخوندی و همکاران، ۱۳۸۷).

۷-۵ مدل مدیریت شهری در ایالات متحده آمریکا

چهار مدل عمده مدیریت شهری در آمریکا عبارتند از: (۱) مدل شهردار - شورا (۲) مدل کمیسیونی (۳) مدل شورا - مدیر شهر (۴) مدل گردهمایی و نشست شهری باز و نماینده مدل شهردار - شورا را می توان به دو شکل شهردار ضعیف - شورا و شکل شهردار قوی - شورا تقسیم کرد. این نوع حکومت شهری معمولاً در شهرهای بزرگ یا خیلی کوچک (زیر ۲۵۰۰۰ نفر) پیاده می شود. ویژگی های عمده این مدل عبارتند از: تفکیک قدرت بین شهردار منتخب مستقیم و شورای شهر، قدرت اجرایی شهردار و قدرت قانونگذاری شورا، انتخاب مستقیم شهردار. در مدل کمیسیونی، هیأت کوچکی از اعضای منتخب کمیسیون جایگزین شورای شهر می شود. یکی از اعضای کمیسیون به عنوان شهردار برگزیده می شود. او رئیس اجرایی شهرداری نیست اما در شرایطی برابر نظر وی ارجحیت دارد. ویژگی های عمده این مدل عبارتند از: انتخاب رای دهندگان به افراد به عنوان اعضای کمیسیون، وظیفه اجرایی و قانونگذاری داشتن کمیسیون، تفویض مسؤولیت بخش های مختلف شهرداری مانند آتش نشانی، مالی، بهداشت و ... به هریک از اعضای کمیسیون، انتخاب یکی از اعضا به عنوان رئیس یا شهردار (ازکیا، ۱۳۸۰).

مدل شورا - مدیر شهر، مدلی از مدیریت شهری است که برگرفته از روش سازماندهی شرکتهای تجاری در ربع اول قرن بیستم است. شهردار در اینجا نیز دارای نقش اساساً تشریفاتی است. این شکل از حکومت شهری اغلب در شهرهای بالای ۱۰۰۰۰ نفر رایج است. ویژگی های عمده این مدل به شرح زیر است: شورای شهر بر اداره کلی شهر نظارت می کند و سیاست گذاری و تنظیم بودجه را بر عهده دارد، شورا برای انجام عملیات و اداره فعالیت های روزانه شهر، فردی را به عنوان مدیر استخدام می کند و شهردار اغلب از میان اعضای شورا و به شکل دوره ای انتخاب می شود. مدل گردهمایی و نشست شهری باز و نماینده، بیشتر در شهرهای کمتر از ۶۰۰۰ نفر جمعیت رایج است. ویژگی های عمده این مدل عبارتند از: امکان حضور تمام شهروندان در بحث های نشست یا گردهمایی شهر، مسؤولیت اجرایی سیاست های نشست برای هیأت منتخبان، لزوم اعلان زمان، مکان، فهرست و شرح مختصر موضوعات هر یک از نشست های شهر (حکمت نیا و موسوی، ۱۳۸۶).

همانگونه که بیان گردید هر یک از این اشکال حکومت شهری ویژگی های متمایزی دارند، اما در عمل نوعی همگرایی بین اشکال مختلف حکومت در چند دهه اخیر و بویژه بین مدل شورا - مدیر شهر و شهردار - شورا وجود دارد (آخوندی و همکاران، ۱۳۸۷).

(۱۴۰-۱۴۲).

۶-۶ مدل مدیریت شهری در ایران:

در ادوار گذشته در تاریخ ایران مدل‌های مختلفی از مدیریت شهری تجربه شده است (حکمت نیا و موسوی، ۱۳۸۶). مثلاً در زمینه سازمان دهی نهاد محلی، تأکید قانون بلدیة مصوب ۱۲۸۶ هجری شمسی بر مدل رهبری جمعی و در قانون بلدیة دوم مصوب ۱۳۰۹ هجری شمسی تأکید بر مدل رهبری سیاسی و اجرایی مدیر اجرایی منتخب دولت مرکزی می کرد. در قانون تشکیل شهرداری ها و انجمن شهر و قصابات مصوب ۱۳۲۸ هجری شمسی، مدل اداره شهر بر اساس مدل شورا - مدیر شهری پی ریزی شده و بر تخصص گرایی فردی تأکید فراوان به عمل آمده است. در لایحه قانونی شهرداری مصوب ۱۳۳۱ هجری شمسی، در زمینه سازماندهی شهرداری، مدل شورا - مدیر شهر مورد توجه قرار گرفته و در قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴ هجری شمسی، اساس مدل اداره امور شهر بر مبنای مدل شورا - مدیر شهر پی ریزی شده است. سرانجام بر اساس قانون مصوب ۱۳۵۷، انتخابات شوراها در سال ۱۳۷۸ برگزار شد و شوراها شروع به کار کردند. در این دوره نیز مدل

انتخابی برای اداره امور شهر همان مدل شورا - مدیر شهر است که همانند قوانین قبلی، عنوان شهردار به مدیر منتخب شورای شهر اطلاق می شود (آخوندی و همکاران، ۱۳۸۷). شورای شهر یکی از نهادهایی است که با حضور نمایندگان شهروندان، مشارکت مردم را در سیاست گذاری و مدیریت شهری فراهم م کند (آذربایجانی و دریایی، ۱۳۸۶).

شکل گیری شوراهای اسلامی شهر و روستا و تعامل آنها با شهرداری ها یکی از نقاط آغازین تحولات و دگرگونی ها در جامعه ما بوده است، زیرا که شوراهای بربردارنده پیامدهای مثبتی برای حرکت روبه جلوی جامعه اند. رشد و توسعه مفاهیمی همچون شهروندی، حقوق شهروندی، مشارکت اجتماعی، حکومت محلی و در نهایت جامعه مدنی در شکل عینی و ملموس خود با تشکیل شوراهای اسلامی قوت بیشتری گرفت؛ اما ارزیابی عملکرد شوراهای اسلامی و نقش آنها در اجرای پروژه های شهرداری نشان می دهد که شوراهای اسلامی به عنوان یک کانون مشارکت اجتماع در شهروندان چندان مفید و کارگشا عمل نکرده اند. (امانی، ۱۳۸۹). دید کارکنان، بین اثر بخشی شهرداری قبل و بعد از تشکیل شورا تفاوت معناداری وجود ندارد و حتی شهرداران انتخابی شورا نسبت به شهرداران قبل از شورا ضعیف تر هم عمل نموده اند. از دید شهروندان بین اثربخشی شهرداری قبل و بعد از تشکیل شورا، تفاوت معناداری وجود دارد این در حالی است که در زمینه انتخاب شهردار تفاوت معناداری وجود ندارد. (حسن نژاد، ۱۳۸۹). تجزیه و تحلیل قرار گرفت و نتایج این پژوهش حاکی از آن بوده که اصلاً روابط این دو ارگان در بسیاری از سطوح دارای مشکلات بنیانی، معرفت شناختی و روش شناختی است. هر چند این اظهارات تا حدودی می تواند دور از انصاف باشد، اما به هر حال می تواند نشان دهنده این امر نیز باشد که امر مشارکت و دخالت دادن شهروندان در اداره امور مربوط به شهر، با وجود تشکیل شوراهای شهر در نزد دست اندرکاران امور مدیریت شهری، به طور جدی دنبال نمی شود. در مجموع مدل کنونی مدیریت شهری ایران برداشتی از مدل شورا - مدیر شهر است. (امانی، ۱۳۸۹). این مدل و رویه اجرایی آن بجد با انتقادات و آسیب هایی همراه است که می توان بدین شرح آنها را برشمرد: نقص در مدل مدیریت شهری ایران و ضرورت تفکیک مدیریت سیاسی شهرداری از مدیریت تخصصی، محدودیت در وظایف نهادهای مدیریت شهری، یکسان بودن مدل اداره امور شهر در تمام شهرها، نقص مکانیزم نظارت و تعادل بخشی در تنظیم رابطه شورا و شهردار (مدیر شهر) و نحوه انتخاب اعضای شورای شهر لازم به ذکر است که تا روزهای اخیر، عدم شکل گیری شوراهای محله ای و منطقه ای با تصدی مردم عادی و شهروندان، یکی از بزرگترین ایرادات وارده به مدل مدیریت شهری ایران بود که خوشبختانه با تصویب دستورالعمل مشارکت اجتماعی شهروندان در محلات شهر تهران مسبوق به تجربه دیگر شهرهای کشور از جمله یزد در اجرای طرحی مشابه طرح اخیرالذکر تا حدود محسوسی این ایراد مرتفع و بی محل جلوه می کند (از کیا، ۱۳۸۰).

۱-۶- نگاهی اجمالی به وضعیت مشارکت اجتماعی در شهرداری های کشور

بررسی سیر تطور نهاد مدیریت شهری در ایران نشان می دهد که یکی از مهمترین نقاط ضعف این نهاد در دوره کنونی، محدود بودن وظایف آن است. در کشورهای پیشرفته وظایف شهرداری ها بسیار گسترده تر شده و شهردار یها به عنوان نهادهای محلی مطرح در می شوند که از خواسته های عمومی نشأت می گیرند. ایران برخلاف بسیاری از نقاط جهان که شهرداری ها عملاً بازوی اجرایی دولت در سطح محلی محسوب می شوند، شهرداری ها وظایف و اختیارات بسیار متفاوتی دارند. اختیارات شهرداری ها و حوزه فعالیت شهرداری ها در ایران در بعضی حوزه ها نسبت به دیگر کشورها محدودتر بوده و در بعضی حوزه ها بسیار گسترده تر است. شاید بتوان گفت که یکی از مهم ترین وجوه تمایز شهرداری ها در کشور ما نسبت به دیگر کشورها، کاهش وابستگی مالی آنها به دولت است. در حالی که آمار جهانی نشان می دهد که در اکثر کشورها بخش عمده درآمد شهرداری ها را دولت تأمین م کند، در کشور ما شهرداری ها، این امر لزوم و اهمیت تا حدود زیادی به درآمدهای خود وابسته اند (امانی، ۱۳۸۹). مشارکت اجتماعی شهروندان در امور برنامه ریزی شهری و شهرداری را دو چندان می سازد (حکمت نیا و موسوی، ۱۳۸۶). و مسؤلیت شهرداری ها در ایران برای تحقق و عملیاتی شدن این بستر بیش از پیش به عنوان یک مسأله اجتماعی مطرح می شود.

یکی از راه های رسیدن به تحقق مشارکت اجتماعی، استفاده از تجربیاتی است که شهرداری های کشورها و شهرهای پیشرفته در این زمینه اعمال نموده اند. البته کاربرد این تجربیات در جامعه ما لزوماً نباید به معنای تقلید صرف این راهکارها تفسیر شود و باید حتماً مدل بومی سازی این الگوها، با عنایت به شناخت بستر مورد نظر پیاده گردد. همچنین اینگونه نباید در نظر گرفته شود که حتماً باید الگوهای جوامع دیگر در جامعه ما پیاده شود. در این مسیر تجربیات داخلی بعضی از شهرداری های کلان شهرهای کشور ما هم می تواند به عنوان نقطه شروع برای تحقق این اهداف در شهرداری های کوچکتر مورد توجه قرار گیرد. (حسن نژاد، ۱۳۸۹). مثال بارز الگوی داخلی می تواند عملکرد شهرداری تهران باشد. شهرداری تهران به خاطر نقش چند وجهی کلان شهر تهران، به عنوان یکی از کانونهای تأثیر گذار مطرح است. به همین دلیل شهرداری تهران در منطقه، برای تحقق اهداف خود، برنامه های ویژه ای را برای مشارکت هرچه بیشتر شهروندان در نظر گرفته و به این پتانسیل به مثابه یک سرمایه می نگرد (حکمت نیا و موسوی، ۱۳۸۶).

از مهمترین اقدامات شهرداری تهران می توان به این موارد اشاره نمود: توسعه دولت الکترونیک با ایجاد دفاتر الکترونیک خدمات شهر برای کاهش دخالت افراد در کارها و شفاف سازی، (ایجاد بانک شهر) برای تمرکز امور مالی مربوط به شهرداری و گشایش حسابهای اعتباری بین المللی شهرداری، تقویت شرکت شهر سالم و همچنین تقویت چتر بیمه کارکنان، برون سپاری امور خدماتی، استفاده از پتانسیل بخش خصوصی، بهبود ارتباط و مشارکت با شهروندان، گسترش فعالیت های هنری، فرهنگی و اجتماعی و استفاده از تکنولوژی های فوق مدرن و در نهایت برنامه ریزی و عملکرد موفق ادار کل منابع انسانی و اداره کل رفاه و تعاون شهرداری تهران همچنین، شهرداری تهران در سالهای اخیر همگام با توجه به میحت افزایش درآمدها، شهرداری مدیریت بر هزینه ها را نیز مورد توجه قرار داده است (حسن نژاد، ۱۳۸۹). تهران در سال ۱۳۸۴ پروژه کاهش هزینه را تصویب کرد که باید تا پایان سال ۱۳۸۶، جمعاً ۲۰۰ میلیارد تومان از هزینه های شهرداری تهران کاسته شود. آنها تقریباً ۱۶ طرح جامع کاهش هزینه را که دارای جنبه عام و مشترک بودند و قابلیت گسترش در سطح کل مناطق را داشتند، در قالب یک طرح جامع تهیه کردند و آن را به اکثر مناطق تحت پوشش ابلاغ هر چند که برآورد پیشرفت واقعی در پایان این طرح به نمودند آذربایجانی، و همکاران، ۱۳۸۷).

حداکثر نرسید، اما تقریباً نیمی از اهداف طرح پیاده شد، که اگر حداقل مشارکت اجتماعی شهروندان در بعضی از این طرحها نبود، این مهم میسر نمی شد البته یکی از دلایل عدم موفقیت کامل این طرح هم می تواند عدم مشارکت اجتماعی شهروندان در بعضی از این طرح ها باشد. تجارب شهرداری تهران در جهت ارتقای میزان مشارکت شهروندان نشان می دهد که این سازمان گامی اساسی در فراهم نمودن زیرساخت های لازم برای انجام فعالیت های اقتصادی در این کلان شهر برداشته است، به طوری که این نهاد عمومی غیردولتی را می توان در عمل و در واقع یک نهاد اجتماعی موفق در زمینه اقتصادی قلمداد عملکرد شهرداری تهران به خوبی نشان داده است که چگونه نمود (امانی، ۱۳۸۹). بستر سازی مشارکت اجتماعی شهروندان می تواند باعث تسهیل در برنامه ریزی و در نهایت از آنجا که کاهش

هزینه های دولتی و شهرداری ها باشد (خاکی، ۱۳۷۹). فعالیتهای سازمان فرهنگی هنری در تهران به عنوان الگو برای دیگر شهرها قرار می گیرد، فعالیتهای مراکز خصوصاً حوزه های مشارکت های مردمی، به عنوان سندی راهبردی تلقی شود و تجارب مثبت و منفی آن برای مراکز فرهنگی شهرهای کشور ارسال گردد البته این امر نیازمند این است که با یک دید، واقع بینانه و به دور از هرگونه تعصب سیاسی و شخصی، برنامه های مشارکتی این شهرداری ها را مورد نقد و ارزیابی قرار بدیم تا اولاً از فرصتهای فراهم شده آنها برای مشارکت اجتماعی شهروندان به نحو احسن استفاده نماییم و ثانیاً تهدیدات و چالش های اینگونه برنامه ریزی ها را به حداقل برسانیم (حسن نژاد، ۱۳۸۹).

۷- نتیجه گیری:

شهرها به عنوان ارگانیزم زنده و سیستمی پویا در فرآیند توسعه جوامع بشری، در فرآیند رشد خود، تغییرات عمده ای را متحمل شده اند، به طوری که توسعه و تغییرات شهری و شهرنشینی از مهمترین پدیده های دوران اخیر به شمار می آیند. اما این شهرنشینی همیشه همراه با توسعه نبوده است و مشکلات اجتماعی، اقتصادی و فیزیکی فراوانی را پدید آورده است. به همین دلیل، تصمیم گیری برای انتخاب طرح مناسب در شهرها، به یکی از چالشهای اساسی مدیریت شهری تبدیل شده است. در عصر حاضر با توجه به توسعه کمی و کیفی شهرها، یکی از نهادهای بسیار مهمی که نقش بسزایی در اداره و خدمات رسانی شهرها داشته و هر روز نقش آنها در اداره و مدیریت شهری و تأمین نیازهای توسعه شهری پررنگتر می شود، شهرداری ها هستند. بدین ترتیب، شهرداری ها در پی پاسخگویی به معضلات ایجاد شده برآمدند و راهکارها و سیاست های متفاوتی را اتخاذ نموده اند.

طرح های اولیه شهرداری ها، با وجود اثربخشی و کارایی محدود و کسب تجارب فراوان در زمینه اجرای طرح ها، در عمل نتوانستند که در مسیر توسعه فرهنگی و مشارکت انسانی برنامه ریزی شده شهرها حداکثر کارایی را داشته باشد. عدم انطباق محتوا و ساختار این طرحها با بستر مورد اجرا، صرف نگاه از بالا و رویکرد اثباتگرایانه به موضوع، عدم توجه به ابعاد فرهنگی و اجتماعی بستر مورد تحقق، عدم توجیه و فقدان آگاهی افراد نسبت به اهداف عملی طرح، عدم تطابق طرحهای شهرسازی با نیازها و خواسته های مردم و اجرای کار بدون توجه به نیاز سنجی علمی افراد و در نهایت تهدید منافع شهروندان، مشارکت پایین مردم یا مشارکت تک بعدی افراد، ناچیز انگاشتن نقش مشارکت اجتماعی افراد مورد مطالعه، اهمیت نقش مردم در اداره جامعه، مسؤولیت پذیری کم افراد مسئول و مرتبط و همچنین افراد جامعه، عدم تحقیقات میدانی جامع و سیستماتیک و وابستگی بیش از حد جامعه به دولت سبب شده اند که این طرحها تا حدودی نتواند به حداکثر کارایی و اثربخشی خود برسد. همین دلایل باعث بازگشت به استفاده از مشارکت اجتماعی شهروندان، به عنوان روشی برای خروج از این بست در حل مسائل شهری شدند. هم اکنون، در کشورهای پیشرفته، شهرداری ها، به عنوان یک نهاد اجتماعی، پتانسیل همکاری گسترده و جلب مشارکت بخش خصوصی و مردمی، مشارکت جویی و جلب همکاری سازمان های غیر دولتی و مردم نهاد را به نحو احسن برای ایفای بهتر وظایف خود به کار گرفته اند و بدین ترتیب خود را از یک سازمان صرفاً خدماتی به یک نهاد اجتماعی تبدیل نموده اند. اما برخلاف کشورهای پیشرفته و با توجه به اینکه اهمیت و ضرورت مشارکت اجتماعی شهروندان در شهرداری های جامعه ما (با توجه به کاهش وابستگی درآمدی شهرداریها به دولت و تشدید مسائل و مشکلات شهرها)، دوچندان است، این مسأله در ایران سابقه چندانی ندارد، به طوری که نقش مشارکت مردم در اداره امور شهر بسیار کم رنگ و ضعیف است که البته نمی توان صرفاً شهروندان را مقصر این کوتاهی دانست. مسلماً نهادهای جامعه ما از جمله شهرداری ها هم در ایجاد بستر لازم برای مشارکت اجتماعی شهروندان کوتاهی نموده اند. نتایج پژوهشها شواهدی بر این مدعاست که ساختار مدیریت شهری و شهرداری در شهرهای جدید ایران، عاری از مشارکت مردم و سازمان های غیردولتی بوده و نظام برنامه ریزی از پایین به بالا در آن مشاهده نمی شود. در واقع می توان اینگونه استنتاج نمود که شهرداری ها نتوانسته اند، از نهایت پتانسیل مشارکت اجتماعی شهروندان بهره ببرند، زیرا شهرداری ها خود را صرفاً به عنوان یک سازمان خدماتی عرضه نموده اند.

به طور کلی، یافته های تحقیق حاضر نشان می دهد که اگر شهرداری بخواهد خود را به عنوان یک نهاد اجتماعی خلاق و فعال در جامعه ما مطرح نماید، به دو پیش نیاز احتیاج دارد: نخست اینکه نهاد اجتماعی شهرداری در عین وابستگی متقابل با ۵ نهاد اصلی جامعه، تا حدودی نیز باید دارای استقلال کارکردی و تفکیک ساختاری باشد و دیگر، مشارکت اجتماعی شهروندان در شهرداری است و بدین طریق است که این نهاد می تواند در درون همه شهروندان درونی و نهادینه شود. در نهایت پیشنهادهایی ارائه می گردد که بدین طریق شهرداری های کشور بتوانند مشارکت اجتماعی را در بین شهروندان نهادینه کنند، که بازخورد این امر مسلماً باعث شکل گیری ایده شهرداری به عنوان نهاد اجتماعی خواهد گردید.

منابع:

۱. احمدی، حبیب و همکاران (۱۳۸۹). فرصتها و موانع حقوقی پارادایم حقوق شهروندی مشارکت اجتماعی در محلات با تأکید بر دستورالعمل طرح مشارکت اجتماعی در اولین همایش علمی-تخصصی شهروندی و «محلات شهر تهران و تحلیل محتوایی آن»
۲. آخوندی، عباس و همکاران (۱۳۸۷) آسیب شناسی مدل اداره امور شهر در ایران پژوهشهای جغرافیایی، ی شماره ۶۳، صص ۱۳۵.
۳. ادیبی سده، مهدی و هاکب هارطونیان (۱۳۸۶) آسیب شناسی مدل اداره امور شهر در ایران، پژوهشهای جغرافیایی، ش ۶۳.
۴. آذربایجانی، کریم و جواد دریایی، (۱۳۸۶) بررسی تأثیر عملکرد شوراهای شهر بر اثربخشی شهرداری پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، مدیری، ت سال هفتم، شماره ۲۵.
۵. ازکیا، مصطفی (۱۳۸۰) بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهر کاشان. مجله نامه علوم اجتماع، ی شماره ۱۷.
۶. امانی، ناصر (۱۳۸۹). راهبردهای گسترش سرمایه انسانی در شهرداری تهران با رویکردهای توسعه اقتصاد ملی. مجله اقتصاد ملی، شماره ۷.
۷. حسن نژاد، مریم (۱۳۸۹) عامل های مؤثر بر مشارکت اعضای گروههای توسعه روستایی در فعالیتهای ترویجی-حفاظتی پروژه بین المللی ترسیب کربن ایران مجله تحقیقات اقتصادی کشاورز، ی جلد دوم، شماره سوم.
۸. حکمت نیا، حسن و میر نجف موسوی (۱۳۸۶) سنجش میزان و عوامل مؤثر بر رضایتمندی شهروندان از عملکرد شهرداری، مجله جغرافیا توسعه، سال پنجم، شماره ۹.
۹. خاکی، محمدرضا، (۱۳۷۹) کمک ها و یارانه های شهرداری پاریس به تئاتر، مجله هنر شماره ۴۳.